
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي نُؤْمِنُ بِهِ وَنَقْطَعُ بِوُجُودِهِ أَنْ يُنْقِذَ بِهَذَا الْكِتَابِ خَلْقًا كَثِيرًا بِفَضْلِهِ
وَمَنْهُ،

فَالْبَرَكَهَ مِنْهُ سُبْحَانَهُ يَكْتُرُ الْقَلِيلَ وَيَقَلُّ الْكَثِيرَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،
وَغَيْرُ بَعِيدٍ أَنْ يَتَفَضَّلَ بِجُودِهِ وَإِحْسَانِهِ وَيُبَارِكَ وَيُكْتِرَ عَمَلَهُ هَذَا الْعَبْدِ أَحْمَدَ
الْقَلِيلَ وَيَهْدِيَ بِهِ خَلْقًا كَثِيرًا.

بِغَمِ خدائند بخشایندهء بخشایشگر

و ستایش و سپاس تنها از آن خداست

از خدائندی که به او ایمان داریم و به وجود او یقین داریم، می‌خواهیم که با

فضل و منت خودش به‌وسیلهء این کتاب مردم بسیاری را نجات دهد ،

چراکه برکت از جانب او است که سبحان است،

و او کسی است که کم را بسیار ، و بسیار را کم می‌کند ، در حالی که او بر

هر چیز توانا است ،

و دور نیست که از فضل و احسانش تفضل فرماید و عمل کم این بنده ،

احمد ، را بسیار نماید و بوسیلهء آن مردم بسیاری را هدایت فرماید .

الفصل الأول

سلاحف على طول الطريق (١)

فصل اول:

لاكپشتهايي در طول مسير (١)

رسل السماء حاربهم رجال الدين المنتفعون من الدين في زمانهم، فمتى
ينتبه الناس ولا يكرّروا الوقوع في نفس الفخ؟!

بزرگان دینی که از دین سودها می‌بردند، در هر زمان، با فرستادگان
آسمان در ستیز بوده‌اند. کی زمان آن فرا می‌رسد که مردم هوشیار شوند و
از فرو غلطیدن دوباره در این دام خودداری کنند؟!

(١)- يقال: إن أحد العلماء كان يلقي محاضرة عن دوران الأرض حول الشمس، فقامت إليه عجوز وقالت له: إن ما

تقوله هراء، الأرض ثابتة على ظهر سلحفاة، فسألها: والسلحفاة تقف على ماذا؟ فقالت: وهي تسخر من تفكيره:

أنت ذكي أيها الشاب على أن الأمر كله سلاحف على طول الطريق الى الأسفل.

هذه العجوز لم تأت بالسلاحف من جيبها، بل أتت بها من بعض رجال الدين المنحرفين في زمانها، وفي الحقيقة إن

سلاحف رجال الدين المنحرفين كثيرة جداً، إنها على طول كل الطرق الى الأسفل، سلاحف منصوبة لكل من لا يريد

إعمال عقله بصورة صحيحة ليعرف الحقيقة كما هي، لا كما ورثها عن آبائه ولا كما يسوقها له رجال الدين

المنحرفون في كل زمان، وسنمر في الفصل الأول على بعض سلاحف رجال الدين التي سوقوها ولا زالوا يسوقونها بصورة أخرى أو بثوب جديد.

(۱)- می‌گویند یکی از علما (برتراند راسل، فیلسوف مشهور) در حال سخنرانی برای مردم در مورد چرخش زمین به‌دور خورشید بود که پیرزنی برخاست و به وی گفت: «هر چه بر زبان راندی مزخرف است. زمین بر پشت یک لاکپشت سوار شده». او(راسل) پرسید: «لاکپشت بر روی چه چیزی ایستاده است؟» پیرزن طعنه زنان جواب داد: «ای جوان! تو خیلی زنگی، این لاکپشت هم بر پشت لاکپشت دیگری سوار شده تا پایین و تا بی‌نهایت». این پیرزن لاکپشت‌ها را از خودش درنیاورده بود؛ بلکه آنها را از برخی روحانیون منحرف زمان خویش اقتباس کرده بود. در حقیقت لاکپشت‌های روحانیون منحرف بسیار زیادند. این لاکپشت‌ها در مسیری بی‌نهایت تا پایین قرار گرفته‌اند. این لاکپشت‌ها به‌کار گرفته شده‌اند تا هر کس که نمی‌خواهد برای درک حقیقت از عقلش به‌طور صحیح استفاده کند، به‌سراغ آنها برود. این لاکپشت‌ها برای کسانی که واقعیت‌ها را از پدران خود به ارث می‌برند و یا افرادی که رجال دینی منحرف در هر زمان آنها را رهنمون می‌سازند، به‌کار می‌روند. در بخش اول به برخی از لاکپشت‌هایی که رجال دینی رواج دادند و اکنون و در هر زمان دیگر نیز آنها را به صورتی دیگر و در لباسی جدید به افراد می‌قبولانند، اشاره خواهیم‌کرد.
